

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیدهاشم سدید

۱۹۰۱۲۰۰۹

بلایی بود که به خیر گذشت

امروز آخرین روز کار آقای بوش به عنوان رئیس جمهور امریکاست. وی به رسم معمول آخرین پیام خویش را از طریق تلویزیون به مردم آنکشور قبلاً ارائه نموده است. در این پیام آقای بوش مدعی یک سلسله موفقیت‌ها در دوره هشت ساله ریاست جمهوری خویش، ضمن اعتراف به برخی نارسائی‌ها، چه در امریکا و چه در خارج از امریکا، شد.

واقعیت چیست؟

آیا واقعاً آقای بوش توانست در دوره هشت سال حکومت خویش، با امکاناتی که به عنوان رئیس جمهور یک کشور قدرتمند و مطرح در جهان در اختیار داشت، کارهای مفیدی در سطح امریکا و جهان، انجام بدهد. نظر خود شخص، هر که و هر چه که باشد، در مورد خود، یا در مورد کارهایش، تا جائیکه تجربه نشان داده است، اکثراً اغراق آمیز است. برای دست یافتن به درستی نظر و عمل یک شخص امر لازم آن است، که به نظر دیگران مراجعه شود.

آیا مردم امریکا و مردم جهان نیز در این مورد با آقای بوش هم نظر هستند؟ آیا ادعاهای این آقا واقعیت‌های هستند که ما از دیدن آن‌ها عاجز بوده ایم؛ یا توهمات یک انسان متهاونی که تلاش دارد با سماجت کودکانه هرکار درست و نادرست خویش را توجیه کند و دو پای را در یک موزه نموده، دعوی " پرفکت " بودن را دارد؛ و یا با این حرف‌ها می‌خواهد روح نا آرام خویش را که در نتیجه ناکامی‌های پی‌در پی وی در برنامه‌های کاری اش احتمالاً ناراحت ساخته است، از رسوائی در اولین انتخابات وی تا امروز، آرام بسازد؟ تلاش یک انسانی که فکر میکند که انسانهای دیگر به قدر خودش کم هوش و کم حافظه هستند و هر بیهوده‌گوئی‌ای هر یابوه سرا را قبول میکنند. با یک نظر مختصر به نتایج نظر خواهی‌ها، رسانه‌های امریکائی و هم تبصره‌های بعضی از نشریات نوشتاری و گفتاری و تصویری جهان و تجربه‌های شخصی از سیاست و عملکردهای حکومت بوش طی این هشت سال و نتایج حاصله از تصامیم وی در گستره ایالات متحده امریکا و در وسعت جهان به این نتیجه میرسیم که آقای بوش بعد از دوران ریچارد نیکسون از جمله رؤسای جمهور امریکا بوده است که از کمترین درجه محبوبیت در امریکا برخوردار میباشد.

نیکسون با معیارهای امریکا و جهان در دوران ریاست جمهوری خویش، نه تنها انسانی خوب، که از جمله سیاستمداران موفق امریکا و زمان خود نیز بود. محبوبیت نیکسون، برخلاف بوش، به خاطر کم کاری یا سیاستهای نادرست و منفی و زیان آور به پائین ترین میزان محبوبیت رؤسای جمهور امریکا تا زمان وی کاهش نیافت، بلکه نتیجه یک کار غیر قانونی وی برای پیروز شدن در انتخابات برحزب دموکرات امریکا در سال ۱۹۷۲ بود. (اعتراف بوش به این امر که وی بدترین رئیس جمهور امریکا در طی پنجاه سال اخیر نبوده، با احتمال زیاد به همین رسوائی بوده است.)

مروری بر کارهای این رئیس جمهور (این مقاله فارغ از بحثهای اندیالوژیک و خوبی و بدی یک نظام و مکتب و ... می باشد) نشان خواهد داد که وی کارهای مثبت زیادی در مقایسه با بوش نموده است و مقایسه بوش با وی از جهت

کار و هوش و کفایت و ... نیست. درجه کاهش محبوبیت آقای نیکسون که در اینجا از آن یاد نمودیم، به خاطر افتضاح "واترگیت" بود، که موجب استیضاح وی از جانب گنگره امریکا شد. نیکسون بعد از این استیضاح استعفا نمود. این استعفا، اولین استعفا یک رئیس جمهور در تاریخ امریکا بود. اما عدم موفقیت بوش در نتیجه ناتوانی های وی در انجام کارهای سودمند و ناکامی هایش در رفع مشکلات و سیاست های داخلی و خارجی اینکشور در دوران زمامداری وی، در امریکا و جهان بود. بوش به ناکامیهای خود، در واقع، در پیام خویش به مردم، به شکل تلویحی اعتراف نمود. او در این زمینه چنین گفت: "تمام کسانی که پیش از من مقام ریاست جمهوری امریکا را به عهده داشته اند نیز با ناکامی های روبرو بوده اند. اظهار این موضوع در واقع، خواسته یا ناخواسته، اعتراف به شکست های وی در دوران ریاست جمهوری اش بوده است."

عوارض کار های وی در سطح امریکا:

- افزایش بیکاری.
- افزایش تورم.
- کاهش ارزش دلار.
- کاهش مزید محبوبیت امریکا در جهان
- افزایش نگرانی امریکائیان از کاهش محبوبیت امریکا در جهان.
- سلب یا محدود کردن آزادی ها، به ویژه آزادی های مردمان غیر امریکائی؛ به خصوص اعراب و مسلمانان و تعقیب و آزار آن ها، تا حدودی زیادی بدون موجب.
- افزایش فقر در امریکا (قبل از زمامداری بوش کم تر از پانزده میلیون انسان در این کشور زیر خط فقر زندگی مینمودند و امروز، به اساس نوشته برخی از منابع، تقریباً دو چند این رقم را در امریکا میتوان سراغ گرفت.)
- و بالاخره: سقوط بازار بورس و بحران مالی شدید امریکا که جهان را در خود پیچید و سبب شکست و بسته شدن هزار ها شرکت و بانک و ادارات صنعتی و تجارتي و عامل بیکاری و بدبختی و فقر مزید میلیون ها انسان در امریکا و در جهان شد.

عوارض کار های وی در سطح جهان:

- افزایش تروریسم غیر دولتی در جهان.
- کاهش باز هم بیشتر اعتماد مردم جهان به صداقت شکننده و آسیب پذیر امریکا در امر حل مسایل جهان، به نفع ذیحق، و در راستای عدالت جهانی.
- بی اعتمادی اعراب، جهان اسلام و مردمان صلح دوست جهان نسبت به امریکا به خاطر استمرار سیاست یک جانبه و غیر مسؤولانه این کشور در تقابل با فلسطین و در برابر اسرائیل.
- حمله نظامی بدون موجب و دلیل، و بدون مجوز امریکا به خاک عراق.
- حمله نظامی بدون مجوز به افغانستان، به ویژه بمبارد و کشتار هزارها غیر نظامی در اینکشور.
- اغماض از عملکرد های پاکستان، بزرگ ترین کشور حامی تروریسم در جهان. کشور پاکستان با پشتیبانی از تروریسم و تشدید تشنج در منطقه، هم منطقه را با خطر روبرو ساخته و هم جهان را. آقای بوش این مسأله را خوب می دانست، ولی برای مهار یا نابودی آن هیچ اقدام مؤثر و عملی انجام نداد.
- احداث شکنجه گاه های آشکار و پنهان مخوف در چندین کشور، از جمله در افغانستان و عراق، به خصوص شکنجه گاه " گوانتانامو" و اعمال شکنجه ها و اعمال کاملاً غیر انسانی و منجر کننده. در این شکنجه گاه ها در بسا موارد کودکان زیر سن بلوغ و بی گناه با شیوه های بسیار وحشت ناک شکنجه میشدند.
- نقض حقوق بشر در چندین جا و چندین مورد، بر طبق بررسیهای مؤسسات مسؤول؛ به ویژه در بازداشت گاه گوانتانامو و ابوغریب. همینگونه در برخورد با غیر نظامیان در آن چه امریکائیان آن راجبیه جنگ مینامیدند یا مینامند.
- گسترش جنگ هائیکه امریکا بعد از جنگ عمومی دوم و جنگ های سال های ۱۹۵۰ تا ختم جنگ ویتنام، در جنوب شرق آسیا، خود در آن ها مستقیم یا غیر مستقیم دست دارد، یا شامل و درگیر است.
- تشدید اسلامگرانی افراطی و ملیت پرستی تعصب آلود (در حد شئونیزم) در جهان و در اثر تحمیل سیاستهای زورگویانه و غیرمنطقی اینکشور نسبت به کشورهای دیگر.
- تشدید خصومتها نسبتاً خفته (جنگ سرد) میان روسیه و امریکا با استقرار موشک ها در کشورهای هم سرحد با روسیه و بردن جهان به سوی یک رویارویی دیگر.

این بود بیلانس کارها، یا نتایج کارهای بوش طی هشت سال ریاست جمهوری وی، ولی یک سره غلط خواهد بود، اگر بگویم، یا چنین فکر شود، که او هیچ کاری مثبتی در دوره ریاست جمهوری خویش انجام نداده است. او یقیناً کارهای مثبتی هم داشته است؛ از آن جمله با کمک های صد ها میلیارد دلاری از پول مالیات دهندگان غالباً بینوا و محتاج به بانک ها و شرکت های مختلف و کمک به سرمایه داران هم سنخ خود و تلاش در جهت مهار یا کند ساختن روند اضمحلال و شکست حتمی سرمایه داری در برابر سوسیالیزم مهم ترین خدمت را، در همین مقطع، به جهان سرمایه داری نموده است!

کار مثبت دیگر وی ایجاد وحدت میان تمام نیرو های ضد جنگ و صلح دوست در آن کشور و بالابردن میزان مخالفت و نفرت از جنگ و کشتار و خونریزی و زورگویی بود که منتج به شکست حزبش در انتخابات اخیر آن کشور شد؛ انتخاباتی که در غیر آن، برنده آن هر سپید پوستی میتوانست در این کشور باشد، غیر از او باما!

این شکست حداقل سبب شد که سیاست مداران جهان، حتی ماجراجو ترین شان، بعد از هشت سال خواب نا آرام، بالاخره دمی یک نفس آرام بکشند. "بلایی بود به خیر گذشت!"